

مدل‌یابی همگرایی منطقه‌ای

مطالعه موردی کشورهای حاشیه دریای خزر

یدا... کریمی‌پور^۱، افشین متقی^۲، بهرام امیراحمدیان^۳، مصطفی محمدجانی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۵

چکیده

منطقه خزر، به دلیل خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی و نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ و مداخله‌گر تاکنون نتوانسته به همگرایی سازنده منطقه‌ای دست یابد. از این رو در پژوهش مذکور تلاش شده تا به مدل مناسب جهت همگرایی منطقه‌ای با استفاده از ظرفیت بالقوه منطقه، بر اساس منافع کشورهای حاشیه دریای خزرگامی‌بارداشته شود. لذا سعی شد تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار مطالعات کتابخانه‌ای (اسنادی) و مصاحبه با افراد مطلع به این هدف دست یابیم. با این اوصاف با توجه به نظریه نوکارگردگرای ارنست هاس و نقش بازیگران منطقه‌ای، همکاری منطقه‌ای با رویکرد اقتصادی و به ویژه در صنعت حمل و نقل با تاکید بر حمل و نقل ریلی به عنوان آغاز همکاری‌های بخشی برای سرایت به سایر قسمت‌ها در اولویت اول قرار گرفت. همکاری که می‌تواند به ایجاد نظم امنیتی منطقه‌ای کمک کند. نظمی که با کاهش نقش بازیگران مداخله‌گر و پیرامونی منطقه را به توسعه و امنیت پایدار می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: دریای خزر، سلسله مراتب قدرت، همگرایی منطقه‌ای، همکاری منطقه‌ای، ظرفیت اقتصادی.

۱ استاد تمام جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۲ دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۳ استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

۴ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، نویسنده مسئول: mostafamohamad2@yahoo.com

مقدمه

با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۱، دریای خزر از هژمونی کشور شوروی آزاد شد. از این رو این سال را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ پرفراز و نشیب منطقه در ایجاد ارتباط مجدد با همسایگان در درجه اول و با کشورهای فرامنطقه‌ای در مراحل بعدی، در زمینه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی قلمداد نمود. منطقه خزر از منظر راهبردی با توجه به نقش انکارناپذیر خود در ایجاد ارتباط بین چهارسوی عالم در پهناورترین خشکی جهان (اوراسیا) و همچنین به دلیل قرارگیری بین یک قدرت بزرگ (روسیه) و یک قدرت منطقه‌ای (ایران) و وجود ذخایر نفت و گاز، در طی سال‌های بعد از فروپاشی شوروی همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. از این رو و با توجه به وجود ظرفیت‌های متفاوت در منطقه خزر، انتظار می‌رود که ایران بتواند با توجه به توانمندی‌های خود نقشی مؤثرتری در این منطقه ایفا نماید.

در سال‌های قبل کشورهای منطقه در جهت رسیدن به این تعامل تلاش‌هایی صورت داده‌اند که به دلیل دو چالش اساسی، این اقدامات به سرانجامی نرسید. اولین دلیل، قرار نداشتن خاستگاه اصلی این اتحادها در منطقه بوده و علت دوم آن نیز دادن جنبه امنیتی به این تلاش‌ها و عدم توجه کشورها در تعامل همه‌جانبه با یکدیگر بوده است. به طور مثال در این ارتباط در حوزه اقتصاد می‌توان به سازمان همکاری اقتصادی اکو اشاره داشت که به دلیل عوامل ذکر شده و عدم توسعه متوازن کشورهای عضو، نتوانست به اهداف خود در منطقه دست یابد. با توجه به این پیش‌زمینه و تجارب تاریخی، به نظر می‌رسد حرکت نظام بین‌الملل به سوی نظام چند قطبی که با کاهش فشار سیاسی و نظامی کشورها همراه بوده و رشد آگاهی و افزایش مطالبات انسان‌های ساکن در منطقه، عوامل و زمینه‌های واگرایی در منطقه رو به ضعف نهاده و همین کشورهای منطقه را به این امر واقف نموده که تنها راه توسعه و پیشرفت در همکاری منطقه‌ای نهفته است. از این رو با کم‌رنگ شدن زمینه‌های واگرایی و گرایش کشورهای منطقه به یکدیگر ضرورت پژوهش جاری دوچندان شده است. زمینه این تعاملات علاوه بر حوزه‌های اقتصادی و امنیتی قابلیت تسری به حوزه‌های سیاسی، دفاعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را نیز دارا می‌باشد. جستجو در این مدل‌ها و یافتن بهترین مدل در جهت توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در راستای نیل به همگرایی منطقه‌ای و در نهایت تبدیل منطقه به یک

منطقه پیشرفته و توسعه‌یافته و در جهت جلوگیری از شکست تلاش‌های جدید با انتخاب روش و مدل مناسب همگرایی از اهمیت و ضرورت پژوهش مذکور حکایت دارد.

پیشینه‌شناسی و مبانی نظری تحقیق

این پژوهش با این سؤال اصلی در ذهن نویسنده آغاز شد که با توجه به سابقه تاریخی و مشترکات موجود در منطقه خزر، بهترین مدل همگرایی در این منطقه بر مبنای چه مدلی می‌باشد. لازمه پاسخ به این سؤال بررسی مدل‌های متفاوت همگرایی در این منطقه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی - امنیتی و زیست‌محیطی، با هدف بالابردن سطح توسعه‌یافتگی منطقه از طریق افزایش تعاملات منطقه‌ای، مقابله با تحریم‌های اقتصادی و برتری یافتن بر چالش‌های امنیتی منطقه‌ای می‌باشد. نتیجه این تحقیق افزایش تعاملات منطقه‌ای، ایجاد امنیت بالاتر برای منطقه از طریق گره خوردن منافع کشورهای این منطقه با یکدیگر و افزایش نقش موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در قلب خشکی‌های زمین و در مسیر ارتباطی دو قاره آسیا و اروپا در تعاملات جدید منطقه‌ای است. لذا این پژوهش با این هدف و نتایج شروع شد. با توجه به این که در گذشته نیز کارهایی در این زمینه صورت گرفته بود، سعی شد از این پژوهش‌ها نیز که در زیر فهرست شده استفاده گردد:

- نقش کارکردهای جغرافیایی در تقویت همگرایی و وحدت کشورهای همجوار با جمهوری اسلامی ایران از منظر جغرافیای سیاسی، محمد داودی
- بررسی چالش‌های جغرافیای سیاسی در همگرایی منطقه‌ای مطالعه موردی: سازمان همکاری اکو؛ دکتر محمدرضا حافظ نیا، حسین مختاری، رکن‌الدین افتخاری
- دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی، مسعود اسلامی
- بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی، بهزاد دولتی و شوکوروف بوری اوراکویچ
- نقش هویت دینی در همگرایی ایران و آسیای مرکزی، بهرام اخوان کاظمی، فریبرز ارغوانی

- تحلیل ساختار ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ میلادی با رویکرد جغرافیای برساخت‌گرایی: رسول افصلی، افشین متقی

- نقش گردشگری فرهنگی در توسعه مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، علاء الدین محمدی
- ضرورت‌ها و عوامل موثر بر اتحادها در قفقاز جنوبی: مرتضی نور محمدی، وحید شربتی
- زمینه‌ها و موانع تعامل ج.ا.ایران با همسایگان در قفقاز جنوبی، محمدرضا مجیدی، حسن زحمتکش
- همگرایی منطقه‌ای قفقاز جنوبی: موانع و چالش‌ها از منظر جمهوری اسلامی، جمشید ثریا
- جهانی‌شدن، همگرایی اقتصادی- منطقه‌ای و تاثیر آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری‌های قفقاز، کریم آذربایجانی.

در این پژوهش‌ها، همانطور که مشخص است بیشتر سعی شده تا با لحاظ نمودن یک ویژگی شاخص، به طور مثال فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و غیره ضرورت همگرایی در منطقه مورد توجه قرار گیرد که البته این توجه تنها معطوف به خود حوزه خزر نبوده و اغلب دو حوزه پیرامونی آسیای مرکزی و قفقاز را نیز شامل می‌شده است. لذا در پژوهش مذکور سعی شده با تمرکز ویژه بر روی پنج کشور حاشیه خزر و بررسی اشکال گوناگون همگرایی به نتایج محکمی از ارائه بهترین مدل همگرایی مخصوص خود منطقه دست یابیم. در واقع در این پژوهش، تمرکز ویژه روی منطقه خزر و بررسی ابعاد گوناگون همگرایی جهت یافتن بهترین مدل همگرایی، از نوآوری‌های این پژوهش نسبت به پژوهش‌های گذشته می‌باشد.

مبانی نظری

برخی از مفروضه‌های کارکردگرایی اساس ایجاد نظریه جدیدی گردید که از آن به عنوان نوکارکردگرایی یاد می‌شود و بیشتر در پیوند با نام "ارنست هاس" است. وی با کنار گذاشتن بعد هنجاری نظریه‌ی کارکردگرایی و افزودن یک بعد فایده‌گرایانه به آن تلاش نمود روایت جدیدی از این نظریه ارائه دهد. آن‌ها معتقدند که به ناچار همگرایی اقتصادی به اتحاد سیاسی منتهی نخواهد شد. بدین ترتیب کارکردگرایان جدید بر اسلوب‌های چانه‌زدن میان نخبگان سیاسی و نیز استراتژی‌هایی که آن‌ها در روند هم‌گرایی به کار می‌گیرند و هم‌چنین بر انگیزه‌های بازیگران سیاسی مشارکت‌کننده و بالاخره بر پیامدهای غیرقابل انتظاری که بر اثر تعقیب منافع متعارض هر یک از

بازیگران حاصل می‌شود، تأکید می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۰). «هاس با این انتقاد از میترانی که وی به اندازه کافی به عنصر "قدرت" توجه نکرده است، تصریح می‌کند که قدرت را از رفاه نمی‌توان جدا کرد (دوئرتی و فالتزگراف^۱، ۱۳۷۶: ۶۷۴).

هاس برخلاف «میترانی» اقتصاد و سیاست را کاملاً از هم جدا نمی‌داند و به اهمیت سیاسی مسایل اقتصادی اذعان دارد. فرض او بر این است که ابعاد مختلف حیات اقتصادی به هم وابسته‌اند. به نظر هاس، آنچه در همگرایی اهمیت دارد فرایندی است که به نظر می‌رسد می‌تواند به تعمیق و گسترش همگرایی کمک کند. او معتقد است «هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش، وضعیتی را ایجاد می‌کند که مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر است که به این طریق همگرایی از بخشی به بخش دیگر "سرریز" شده و این روند ادامه می‌یابد. او این امر را "همگرایی بخشی" می‌نامد. به نظر او عکس این حالت نیز صادق است یعنی بروز مشکل در یک بخش می‌تواند همکاری در بخش‌های دیگر را نیز مختل نماید از این رو از نظر «هاس» همکاری در حوزه سیاست باید با شیب ملایم همراه گردد (ارنست بی. هاس^۲، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

از این رو در تحقیق پیش رو با توجه به وجود مولفه‌های مختلف همگرایی در تعریف هاس از منظر نوکارکردگرایان از جمله درهم تنیدگی مباحث اقتصادی با مسائل سیاسی و نقش آن‌ها در اتخاذ سیاست خارجی و امنیتی کشورها، نقش منافع در همگرایی، نقش قدرت در رفاه و تاثیر همگرایی در یک بخش بر سایر بخش‌ها، این نظریه به عنوان نظریه پایه تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از منظر هدف، تحقیقی کاربردی و از نوع کیفی می‌باشد. روش انجام تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است که در مبنای توصیفی نیز روش به کار رفته روش توصیفی کاربردی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای (اسنادی)، اینترنتی و میدانی (مصاحبه با خبرگان و تهیه پرسش نامه) است. در این تحقیق در حوزه مصاحبه، با حدود ۸ نفر از اساتید به نام این حوزه از جمله دکتر الهه کولائی، دکتر ابراهیم متقی و غیره مصاحبه شده است. البته مصاحبه با افراد دیگری که در این حوزه فعالیت داشته‌اند از جمله سفرا و کاردارهای نظامی نیز

¹ Duerti and Faltzgraph

² Ernest B. Hase

صورت گرفته که نظرات مجموع اساتید و افراد در پژوهش مذکور لحاظ گردیده است. در حوزه پرسشنامه نیز سعی شد از روش طیفی به عنوان یک روش کیفی در سنجش دیدگاه‌ها و نگرش‌ها استفاده شود. در بین انواع سنجش‌های طیفی با توجه به ماهیت تحقیق از طیف لیکرت برای طراحی پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه‌ها در قالب ۴۵ سؤال، در بین جامعه آماری ۱۰۳ نفری از دانشجویان در رشته‌های جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی توزیع گردید. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها با قائل شدن شاخص کمی برای گزینه‌های طیفی موجود در پرسشنامه به توصیف داده‌ها پرداخته شد. پس از توصیف داده‌ها بر اساس وضعیت پاسخگویان به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در تحلیل داده‌ها چون هدف ما ارائه مدل و به نوعی پیش بینی بود از روش تحلیل رگرسیون در این زمینه استفاده گردید.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

چارچوب نظری نظام منطقه‌ای خزر دارای سه بخش اصلی است: الف) بازیگران بخش مرکزی^۱ شامل ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان؛ ب) بازیگران بخش مداخله‌گر^۲ شامل آمریکا، اروپا اعم از اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر اروپایی، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، هند و ژاپن و ج) بازیگران بخش پیرامونی^۳ شامل کشورهایی چون ترکیه و چین. نظام منطقه‌ای دریای خزر، شامل پنج دولت ساحلی است که به عنوان بازیگران بخش مرکزی، تحت عنوان منطق لاکه^۴ با یکدیگر در ارتباط می‌باشند. در سلسه مراتب قدرت در دریای خزر ما با یک قدرت بزرگ^۵ (روسیه) روبرو هستیم. بعد از روسیه جمهوری اسلامی ایران در این حوزه دارای بیشترین قدرت است. ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹ میلادی به صورت مستقیم وارد مخالفت با

^۱Core Sector

^۲Intruder sector

^۳phrepher sector

^۴در منطق لاکه، به جای اصل خصومت منطق هابزی و اصل تعامل منطق کانتی، اصل رقابت حاکم می‌شود.

^۵داشتن قدرت نظامی، اقتصادی و یا دانش فنی به حدی که کاربرد آن، توان نابودی کل نظام بین‌الملل فعلی، و یا تحول آن به نظام دیگر را داشته باشد.

سیاست‌های غرب در منطقه و جهان شده و در طی نزدیک به دو دهه اخیر از سده ۲۱ میلادی، توانسته است خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به منطقه و جهان بقبولاند.^۱

بعد از جمهوری اسلامی ایران از منظر سیاسی جمهوری آذربایجان قرار دارد که به دلیل انزوای ژئوپلیتیکی^۲، سیاستی متمایز در تحولات منطقه‌ای در پیش گرفته است. این جمهوری به دلیل ترس از سیطره مجدد روس‌ها بر این کشور از یک طرف و از طرف دیگر گرایش افکار عمومی مردم این کشور به ج.ا.ایران در قالب یک کشور شیعی و همچنین افزون بودن تعداد آذری زبان‌های ایران بر تعداد جمعیت این کشور، تمایل بیشتری را از خود برای ارتباط با بازیگران بخش پیرامونی و مداخله‌گر نشان می‌دهد. در واقع جمهوری آذربایجان علت وجودی سیاست منطقه‌ای خود را در ایجاد، تقویت و تثبیت ارتباط با کشورهای معارض با دو قدرت اول منطقه تعریف نموده است.

بعد از جمهوری آذربایجان، جمهوری قزاقستان قرار دارد این جمهوری با آن که از جهت وسعت سرزمینی، شاخصه بالایی را در کسب قدرت بزرگ دارا می‌باشد، اما به دلیل داشتن تنگناهای ژئوپلیتیک و تراکم پائین جمعیت نتوانسته آن گونه که شایسته است در سلسله مراتب قدرت قرار گیرد. این جمهوری در طول بیش از ربع قرن اخیر پس از فروپاشی شوروی، همواره سعی نموده تا در کنار روسیه به عنوان یک متحد استراتژیک باقی بماند.

در سلسله مراتب قدرت در حوزه خزر آخرین کشوری که مورد اشاره قرار می‌گیرد جمهوری ترکمنستان است. این جمهوری بر اساس منطق لاکمی سعی نموده تا پس از فروپاشی شوروی، سیاست سوئسی شدن را در پیش گیرد. بر اساس این سیاست ترکمنستان خود را کشوری بیطرف اعلام نموده تا از گزند مناقشات منطقه‌ای دور بماند.

با وجود این ساختار سیاسی و سلسله مراتب قدرت در منطقه، آنچه به عنوان یک فصل مشترک جغرافیایی کشورهای منطقه را به هم پیوند می‌دهد دریای خزر است که نقش عمده ای را در ایجاد این سیستم ایفا نموده است. این دریا در این گستره جغرافیایی، در میان بازیگران، تعاملات مختلف

^۱ امریکن اینترست: ایران در میان هشت قدرت برتر سال ۲۰۱۷ در رتبه هفتم بعد از آمریکا، چین، ژاپن، روسیه، آلمان و هندو در رده‌ای بالاتر از رژیم صهیونیستی، متحد نخست آمریکا، قرار دارد.

^۲ انزوای ژئوپلیتیک که به آن انزوای ادراکی و یا احساس محاصره نیز اطلاق می‌شود انزوای است که بر پایه میزان احساس تهدید از سوی همسایگان پدید می‌آید. در نتیجه کشور مورد تهدید سعی می‌کند تا با کمک قدرت‌های خارجی سایه این انزوای ژئوپلیتیکی را با ایجاد موازنه مثبت قدرت به نفع خود تغییر دهد.

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آورده که در نتیجه آن پیوندهای مشترکی را از نظر قومی، زبانی، تاریخی و اجتماعی به دنبال خود داشته و اشتراک منافع کشورهای ساحلی را نمایان می‌سازد.

پس از آشکار شدن وضع بازیگران مرکزی منطقه خزر در سلسله‌مراتب قدرت، به نقش بازیگران مداخله‌گر در این منطقه می‌پردازیم. در منطقه خزر بیشترین نقش بازیگران مداخله‌گر در جمهوری آذربایجان و پس از آن به نسبت در ترکمنستان و قزاقستان مشاهده می‌شود که مهم‌ترین زمینه فعالیت آن‌ها در موارد زیر خلاصه می‌شود. امضاء تفاهم‌نامه‌های چندگانه مانند ایجاد پیمان یا سازمان جهت دفاع مشترک، امضاء تفاهم‌نامه‌های دوجانبه مانند ایجاد پیمان امنیتی متقابل، استفاده از ابزار سازمان ملل متحد برای دخالت در امور منطقه، کمک مالی، تجهیزاتی و تسلیحاتی، فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی، تبلیغات و فریب افکار عمومی، بدست‌گیری سیستم ارتباطات، فعالیت در مرزها، جاسوسی از ایران و روسیه، تقویت دشمن‌هراسی (ایران و روسیه)، تجارت و سرمایه‌گذاری.

البته در اثنای اجرایی این برنامه‌ها نقش بازیگران پیرامونی و واسط مشخص‌تر می‌شود به گونه‌ای که در این ارتباط نقش ترکیه در منطقه خزر به عنوان تسهیل‌کننده سیاست‌های غرب در این منطقه از یک طرف، و نقش چین به عنوان نقش مخرب در راستای سیاست و منافع خود قابل تامل و ارزیابی می‌باشد. اما با مشخص شدن نظام منطقه‌ای حوزه خزر بهتر است سایر عوامل تاثیرگذار بر ایجاد تعاملات سازنده منطقه‌ای در این منطقه از جهان نیز مورد بررسی قرار گیرند.

نقش عوامل فرهنگی در تعاملات منطقه خزر

اگرچه در قرن بیستم نظام فکری و ارزشی ساکنین حوزه خزر در حوزه فرهنگ ایرانی طی تحولات تاریخی ناشی از حاکمیت نظام کمونیستی، چالش‌های مختلفی به خود دیده، اما همچنان شالوده‌های بنیادین خود را حفظ کرده است که از آن جمله می‌توان به هم‌آئینی و هم‌کیشی، قرابت جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی-تاریخی، حضور ایرانیان مقیم و اشتراکات زبانی با برخی اقوام اشاره نمود (ابراهیمی، ۱۳۸۰: ۹۳). اما حکومت روس‌ها در کم‌رنگ کردن نقش قرابت‌های فرهنگی بی‌تاثیر نبوده است. در حال حاضر از دیدگاه مذهبی منطقه خزر تحت سیطره دو دین اسلام و مسیحیت قرار دارد. این منطقه در شمال و از جانب روسیه با مذهب ارتدوکس مسیحی به عنوان دین رسمی این کشور همسایه است. در بقیه نقاط این منطقه و حتی در بخشی از سرزمین روسیه از جمله جمهوری خودمختار داغستان، دین اسلام دارای پیروان زیادی می‌باشد. از این رو این دریا را می‌توان یک دریای اسلامی نیز قلمداد کرد.

جدول شماره ۱: پراکندگی مذهب اسلام در منطقه خزر به ترتیب کشورها

ردیف	کشور	درصد از جمعیت کشور	درصد از مسلمان جهان
۱	ایران	۹۹/۴	۴/۶
۲	آذربایجان	۹۸/۴	۰/۵
۳	ترکمنستان	۹۳/۳	۰/۳
۴	قزاقستان	۷۰/۲	۰/۵
۵	روسیه	۶/۵	۱

منبع: مرکز پژوهش‌های پيو، ۲۰۱۴

در بحث زبان، روسیه با زبان روسی در صدر زبان‌ها قرار دارد. این زبان، یکی از زبان‌های اسلاوی و زبان رسمی کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و برخی از کشورهای کوچک‌تر بلوک شرق بوده و پرگویش‌ترین زبان اروپا و هشتمین زبان رایج در جهان است. زبان ترکی آذربایجانی، زبانی است که توسط مردمان آذری در قفقاز و جنوب غرب آسیا با دو گویش در جمهوری آذربایجان و سایر مناطق آذری‌نشین ایران تکلم می‌شود. این زبان در جمهوری آذربایجان زبان رسمی و در داغستان یکی از زبان‌های رسمی مصوب فدراسیون روسیه است. زبان ترکی آذربایجانی به ترکی استانبولی و ترکمنی بسیار نزدیک است. از این رو از لحاظ زبانی منطقه تحت تاثیر سه زبان روسی، ترکی با شاخه‌های آن و فارسی می‌باشد که در این میان قزاقستان با روسیه دارای اشتراک زبانی است، آذربایجان با ترکمنستان، ولی ایران در منطقه دچار انزوای زبانی است.

نقش ظرفیت‌های اقتصادی در ایجاد تعامل بین کشورهای حوزه خزر

در ایجاد ظرفیت اقتصادی مناسب در جهت کسب قدرت برای یک کشور، عوامل زیادی نقش دارند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: وسعت یک کشور و وضعیت ناهمواری‌ها و تنوع آب و هوایی آن و تاثیرش بر پراکندگی صنایع؛ وجود منابع طبیعی تامین کننده مواد غذایی و مواد خام مورد نیاز یک کشور در حوزه صنایع دفاعی و غیر دفاعی؛ پیشرفت فناوری؛ کمیت و کیفیت جمعیت: در کنار ارتباط آن با خصایص یک ملت، روحیه ملی، دولت کارآمد، احترامی که جامعه بین‌الملل برای یک کشور قائل است، ایدئولوژی و جمعیت. از این رو با توجه به عوامل موثر در همگرایی اقتصادی می‌توان گفت در این حوزه ظرفیت تعامل کشورهای حوزه خزر بسیار زیاد

است. شرح ظرفیت‌های اقتصادی جهت همگرایی منطقه‌ای در بین کشورهای منطقه خزر به شرح جدول شماره ۲ در ذیل آمده است.

جدول شماره ۲: شاخص های اقتصادی تاثیرگذار بر افزایش تعامل منطقه‌ای بین کشورهای حاشیه خزر

ترکمنستان		قزاقستان		آذربایجان		ایران		روسیه		شاخص	
۲۰۲۰	Q۱ ۲۰۱۷	۲۰۲۰	Q۱ ۲۰۱۷	۲۰۲۰	Q۱ ۲۰۱۷	۲۰۲۰	Q۱ ۲۰۱۷	۲۰۲۰	Q۱ ۲۰۱۷		
	0.۳۹	-	۱۷.۴۱	-	۹.۷۲	-	۷۹.۹۱	-	۱۴۸	میلیون نفر	جمعیت
	۱۰.۸	-	۵	-	۶.۲	-	۱۱	-	۵.۳	درصد	نرخ بیکاری
۹۰۵۴	۷۰۳۷	۱۰۷۳۵	۱۰۵۶۲	۶۱۵۹	۶۰۹۵	۵۲۰۰	۳۸۰۰	۱۲۱۸۰	۱۱۸۶۰	دلار	سرانه سالانه تولید ناخالص داخلی
۶.۳	۵.۱	۰.۸	۰.۱	۴	- ۲.۱	۵.۲	۳.۸	۷۲	- ۰/۱	درصد	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی
۵.۱	۶.۹	۴.۷	۷.۸	۳.۵	۹.۸	۶.۵	۸.۷	۵	۵.۳	درصد	نرخ تورم ماهانه
-	۱۳۱۸ میلیون دلار	۱۲۳۰ میلیارد دلار	۱۲۵۰ میلیارد دلار	۱۱۵۷۱۴ ۸ هزار دلار	۱۰۷۰۷۰۶ هزار دلار	-	۵۲۳۱ میلیون دلار کلیه اقلام ۲۰۱۶	۹۲۰۰ میلیارد دلار	۱۱۸۳۴ میلیارد دلار		موازنه تجاری تا پایان ۲۰۱۶
-	۱۰۴۵۶ میلیون دلار		۳۸۹۱ میلیارد دلار		۳۶۰۷۲۵۹ هزار دلار	-	۴۳۹۳۰ کالاهای غیر نظف ۱۳۹۵	-	۳۱۱۲۸ میلیارد دلار		میزان کل صادرات ماهیانه تا پایان ۲۰۱۶
-	۹۴۲۰ میلیون دلار		۲۳۶۳ میلیارد دلار		۱۹۸۳۲۴ هزار دلار	-	۴۳۸۴ در سال ۱۳۹۵	-	۱۹۲۹۴ میلیارد دلار		میزان کل واردات ماهیانه تا پایان ۲۰۱۶
	آماري موجود نيست	۶.۵	۱۱	۵	۱۵	۱۲	۲۰	۶	۹	درصد	نرخ بهره
		۳۶۶	۳۶۳	۲۹.۱۵	۲۹.۱۵	-	-	۳۴۳.۴۱	۱۶۲۹	تن	ذخایر طلا
۲۳۶ هزار پسکه	۲۳۶ هزار پسکه	۱۷۲۸	۱۷۲۸	۸۶۳ هزار پسکه	۸۶۳ هزار پسکه	۳۹۲۵	۳۹۱۳	۵۶۹۰	۱۰۸۲۶	میلیون بشکه	تولید روزانه نفت خام
	آماري موجود نيست	۴۷۲۹	۴۶۹۱	۱۸۸۱	۱۸۸۶	۳۱۳۴	۱۹۷۹	۵۶۹۰	۳۱۴۹	میلیون دلار	سرمایه گذاری مستقیم خارجی (سه ماهه)

توان نظامی کشورهای حوزه خزر

برای شناخت توان نظامی کشورها معمولاً دو شاخص اساسی مطرح می‌باشد.

الف: توان صرف نظامی (تعداد پایگاه‌ها، تجهیزات و نیروی انسانی)

جدول شماره ۳: توان صرف نظامی کشورهای حاشیه خزر

رتبه	توان قدرت زمینی	توان دفاع هوایی	توان نیروی هوایی	توان نیروی دریایی	توان نیروی عملیاتی	کشور
۳	۲	۱	۳	۲	۲	روسیه
۳۲	۱۵	۱۱	۱۹	۳۴	۲۰	ایران
۴۲	۴۶	۲۱	۳۵	۷۵	۵۴	قزاقستان
۵۹	۴۰	۴۲	۶۹	۷۴	۶۴	ترکمنستان
۷۹	۴۷	۲۲	۶۳	۶۱	۶۵	آذربایجان

Future Battles, ۲۰۱۷

ب: قدرت نظامی کشورهای حاشیه خزر با در نظر گرفتن کلیه شاخص‌ها

مرکز مطالعاتی Global Firepower در رتبه‌بندی جدید خود توان نظامی کشورهای جهان را علاوه بر شاخص‌های مطرح شده در مرکز مطالعاتی Future Battles بر مبنای اصول زیر در ۵۰ شاخص طبقه‌بندی نموده است که اهم این موارد عبارت‌اند از: جمعیت (تعداد کل، جمعیت در سن فعالیت و جمعیت شاغل، تعدد افرادی که هر سال به سن خدمت می‌رسند، شاغلین نظامی و افراد ذخیره)، تجهیزات نیرویی (دریایی، هوایی، زمینی، لجستیک، مالی)، قدرت هسته‌ای، مشکوک به دسترسی به توان هسته‌ای، توان شلیک دقیق سلاح‌ها و فناوری آن‌ها و نه تعداد این سلاح‌ها، عوامل جغرافیایی (وسعت کشور، طول خط ساحلی، طول مرز مشترک، رودخانه‌های مرزی)، تحرک و حمل و نقل سریع نظامی، منابع طبیعی، صنایع بومی تاثیرگذار بر مباحث نظامی، نیروی انسانی بیشتر و برتر و مشارکت در ائتلاف‌های نظامی.

به طور کلی در این رتبه‌بندی می‌توان گفت که به چهار شاخص تفکر تاکتیکی، ساختار فرماندهی، روحیه در جنگ و وحدت ملی توجه بیشتری شده است. بر این اساس رتبه کشورهای حاشیه دریای خزر در سال منتهی به اول آوریل سال ۲۰۱۷ در عرصه بین‌الملل به شرح جدول شماره ۴ می‌باشد.

جدول شماره ۴: رتبه و توان واقعی نظامی کشورهای حاشیه خزر در عرصه بین‌الملل

کشور	رتبه و توان واقعی نظامی کشورهای حاشیه خزر
روسیه	۲
ایران	۲۱
قزاقستان	۵۳
آذربایجان	۶۰
ترکمنستان	۸۶

Global firepower, ۲۰۱۷.

مباحث امنیتی حوزه خزر

از مهم‌ترین عوامل ضروری برای تشکیل یک مجموعه امنیتی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: عامل مجاورت و نزدیکی جغرافیایی (عاملی ضروری نه اساسی و قطعی)، عامل دوم وجود «مدلی دوستی و دشمنی میان ملت‌ها ناشی از توزیع قدرت»، «وجود وابستگی متقابل شدید امنیتی» (بوزان^۱، ۱۳۸۶: ۲۱۵-۲۱۸). بنابراین وجود دو عنصر اصلی، یعنی مدل دوستی و دشمنی و توزیع قدرت بین دول اصلی، در کنار عامل «احساس تهدید و ترس متقابل» میان دو بازیگر قدرتمند محلی، از عوامل اصلی تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و ثبات یا ناپایداری آن‌ها می‌باشند.

در ارتباط با منطقه خزر، مطابق نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی این حوزه، تحت تاثیر فشار قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد، در نتیجه شکل‌گیری مجموعه امنیتی در منطقه دشوار گردیده است، با این وجود از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی حوزه خزر که می‌تواند منطقه را به سوی ایجاد یک مجموعه امنیتی رهنمون سازد می‌توان به گسترش و سرریز شدن تروریسم به خصوص در شکل جدید آن به دو زیرحوزه قفقاز (شمالی و جنوبی) و آسیای مرکزی، امنیت انرژی دریای خزر، تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، ژئوپلیتیک دسترسی به دنیای خارج، ژئوپلیتیک لوله‌های نفتی و گازی، بحران زیست‌محیطی، بازی بزرگ جدید، گسترش ناتو به شرق و حضور فعال رژیم صهیونیستی در منطقه اشاره نمود.

¹ Boozan

در مورد حضور رژیم صهیونیستی در منطقه باید گفت که هدف اصلی این رژیم در منطقه، مقابله با ایجاد بنیادگرایی اسلامی و ممانعت از گسترش نفوذ ج.ا.ا در منطقه است. با اتخاذ این سیاست، رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۲ با به رسمیت شناختن جمهوری تازه استقلال یافته ترکمنستان، در سال ۱۹۹۳ با این کشور روابط دیپلماتیک برقرار کرد. اما با این وجود رابطه این رژیم با جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر بنا به دلایلی متعدد از جمله به دلیل موقعیت استراتژیک حائل بین روسیه و ایران، اندک بودن تفکرات ضدیهودی، دسترسی به منابع غنی هیدروکربنی در دریای خزر و نفوذ در یک کشور شیعی با دو هدف استحاله مذهب شیعه در این کشور و این که این رژیم قادر به تعامل با دولت‌های شیعی نیز می‌باشد افزایش یافته است.

حضور آمریکا در منطقه نیز علاوه بر سیاست‌های که توسط رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود شامل پشتیبانی از نیروهای خود در افغانستان نیز می‌گردد. با این وجود حضور آمریکا با رژیم صهیونیستی در منطقه دارای تفاوت بنیادی در روش نیز می‌باشد به طوری که این رژیم با سیاست تدریجی و به صورت نرم در منطقه نفوذ نموده و توفیقاتی نیز داشته است، اما آمریکا سعی در سلطه بر منطقه از طریق اهرم فشار و ناتو را دارد که با مخالفت شدید روسیه و ایران روبرو شده است. در این ارتباط هرچند فدراسیون روسیه بعد از ۱۱ سپتامبر، همکار استراتژیک آمریکا گردید، اما این سیاست از طرف روسیه چندان دوام نیافت و از ابتدای اعلام طرح سپر موشکی توسط آمریکا، دولت پوتین آن را به عنوان تهدیدی علیه امنیت راهبردی روسیه دانست و مخالفت جدی خود را با آن اعلام و تأکید کرد؛ این اقدام آمریکا باعث گسترش فضای ناامنی در گستره‌ی منطقه‌ای و جهانی خواهد شد. با آشکار شدن شکاف‌ها، پوتین رئیس جمهور روسیه در جهت گسترش حوزه نفوذ خود و با اتخاذ راهبرد «نگاه به شرق» دامنه ارتباط و همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی با چین، ایران و هند را گسترش داده و در پوشش سازمان همکاری شانگ‌های، نقش روسیه را در تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پررنگ‌تر ساخته است.

انتظارات چین در منطقه خزر شامل، صلح پایدار و تکمیل روابط، متوقف کردن حرکت‌های اسلامی، سرکوب تمایلات تجزیه‌طلبانه، جلوگیری از قاچاق اسلحه، تأمین منافع اقتصادی در حوزه انرژی و محدودکردن حوزه نفوذ آمریکا می‌باشد. موافقت چین با پیوستن ایران به عنوان عضو ناظر پیمان

شانگ‌های، همزمان با استقرار نظامیان آمریکا در پایگاه‌های خانی‌آباد در جنوب ازبکستان و ماناس در مجاورت بیشکک پایتخت قرقیزستان بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، از بُعد ژئواستراتژیک در رقابت‌های منطقه‌ای در این راستا ارزیابی می‌گردد (اشنایدر^۱، ۱۳۸۵: ۱۱۲-۱۱۸).

ترکیه نیز از فعالان و بازیگران اصلی منطقه خزر قلمداد می‌گردد. ترکیه همواره به کشورهای ترک-زبان منطقه خزر، به عنوان مکمل استراتژیکی خود نگریسته است. با فروپاشی شوروی، این وضعیت برای ترکیه مهیا شد تا با استفاده از حربه قومی و زبانی و مذهبی، کشورهای منطقه را به سوی خود جذب نماید. حضور ترکیه در خزر، با تأثیرات منفی آن بر امنیت ایران از چند دیدگاه قابل بررسی است، اول آن که، ترکیه براساس سیاست پان‌ترکیسم خود، درصدد تشکیل یک اتحادیه از کشورهای ترک‌زبان در منطقه قفقاز و آسیای میانه می‌باشد (هرچند در سال‌های اخیر از دامنه این نفوذ اندکی کاسته شده است). دومین پیامد منفی اقدامات ترکیه در منطقه در طی سال‌های اخیر تغییر آداب و سنن و گرایش مردم حوزه خزر از ایران به سوی ترکیه و فرهنگ غربی می‌باشد که خود باعث کاهش نفوذ ایران در منطقه خواهد شد. سومین پیامد منفی اقدامات ترکیه در منطقه، سرسپردگی آشکار ترکیه به غرب در جهت ایجاد زمینه‌های حضور موثرتر غرب و رژیم صهیونیستی در منطقه می‌باشد.

در کنار کشورهای فوق نقش عربستان در کشورهای حاشیه دریای خزر نیز در طی سال‌های اخیر پررنگ‌تر شده است. علت این امر را می‌توان در دوری مردم منطقه از معارف اسلامی در طی سال‌ها حکومت روسیه تزاری و روس‌ها بر این منطقه جستجو کرد. مردم منطقه پس از استقلال از شوروی در پی دینداری به ناگاه با تبلیغات مجاهدانی روبرو شدند که برای جنگ با شوروی در افغانستان وارد شده بودند. این افراد همان کسانی بودند که زیر نظر عربستان در منطقه در جهت منافع غرب در جنگ بودند. این افراد بعد از فروپاشی شوروی تاکنون توانسته‌اند با رخنه در کشورهای آسیای مرکزی و در سال‌های اخیر در قفقاز اسلام سعودی را ترویج نموده و جای پای این کشور در منطقه فراهم سازند. ژاپن نیز یکی دیگر از قدرت‌هاست که در منطقه حضور دارد. این کشور در

¹ Schneider

جهت تقابل با حضور چین در منطقه، رقابت‌هایش با روسیه در جزایر کوریل و دسترسی به منابع انرژی جدید، به غیر از منطقه پرتنش خلیج فارس سعی دارد تا در منطقه حضور فعال داشته باشد. و در آخر بازیگر مهم دیگری که سعی در منطقه خزر دارد هند است. این کشور به دلیل آن که با همسایگان خود دچار تنش می‌باشد تنها مسیر حضور خود در منطقه خزر را از طریق ایران جستجو می‌کند. با توجه به کثرت بازیگران در منطقه خزر، این منطقه به عنوان منطقه پرتنش بین بازیگران منطقه‌ای یعنی روسیه و ایران با قدرت‌های پیرامونی و فرامنطقه‌ای شامل ترکیه، رژیم صهیونیستی، چین، آمریکا، هند، ژاپن، عربستان و سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی و امنیتی محسوب می‌گردد. از این رو در طی سال‌های بعد از فروپاشی شوروی این منطقه در حوزه تنش بین این قدرت‌ها، شاهد تشکیل چندین سازمان امنیتی بوده که مهم‌ترین این سازمان‌ها عبارت‌اند از: جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱، اتحادیه گوام^۲، سازمان همکاری شانگ‌های^۳، اتحادیه آسیای مرکزی، نیروی واکنش سریع (کاسفور) و طرح نگهبان خزر. در بین این سازمان‌های امنیتی تنها سازمان شانگ‌های به دلیل پشتیبانی دو قدرت بزرگ یعنی روسیه و چین تا حدودی توانسته موفق عمل نماید.

مشکلات زیست محیطی منطقه خزر، زمینه‌ساز تعاملات

هرچند مهم‌ترین منابع آلودگی دریای خزر ناشی از منابع مستقر در خشکی، تخلیه مواد زاید و سمی و اتمی، آلودگی ناشی از کشتی‌ها، آلودگی اتمسفر و حفاری و اکتشاف در بستر عمیق دریا می‌باشد، اما با توجه به این منابع آلودگی، ضعف ساختار سیاسی، حقوقی و اقتصادی به شرح زیر در گسترش این آلودگی‌ها نقش بارزی را ایفا می‌کند.

عدم هماهنگی کشورهای ساحلی در حفاظت از محیط زیست خزر، اقتصاد تک‌محصولی مبتنی بر استخراج منابع نفت و گاز با بهره‌برداری غیراصولی از این منابع، وجود قوانین متفاوت در کشورهای منطقه جهت مقابله با آلودگی زیست‌محیطی دریای کاسپین و عدم مسولیت‌پذیری شرکت‌های استخراج‌کننده نفت در منطقه خزر از جمله مشکلات ایجاد تعامل میان کشورهای این حوزه است. با توجه به موارد یاد شده، لزوم تدوین برنامه‌ای جامع که همه کشورهای حاشیه به آن پایبند باشند، در

مورد مسائل زیست‌محیطی خزر الزامی است. اهمیت تدوین این برنامه از آن جا برای جمهوری اسلامی ایران آشکارتر می‌شود که بدانیم به دلیل وجود جریانات شمالی در این دریا و حرکت بیشتر آلودگی‌ها به سمت سواحل ایران، متضررترین کشور ساحلی در این زمینه، کشور ما می‌باشد. این اتفاق حتی می‌تواند علاوه بر مسائل زیست‌محیطی پیامدهای منفی اجتماعی نیز برای ایران در بر داشته باشد.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در منطقه خزر پنج کشور حضور دارند که سه تای آنها یعنی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در سلسله مراتب قدرت، جزء قدرت ملی یا متوسط محسوب می‌شوند. ایران در این حوزه قدرت منطقه‌ای و روسیه قدرت بزرگ است. در این حوزه قزاقستان با روسیه روابط عادی دارد و دو کشور ترکمنستان و آذربایجان با توجه به دوران سلطه شوروی بر این کشورها و ترس از سلطه دوباره روسیه و یا ایران روابط محتاطانه‌ای با ایران و روسیه در پیش گرفته‌اند که شرح روابط آنها در جدول ۵ آمده است.

جدول شماره ۵: نقش بازیگران مرکزی حوزه خزر در تعامل با یکدیگر در سلسله مراتب قدرت

کشور	نوع قدرت	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه	بزرگ	-	منافع	هژمون	دوستانه	هژمون
ایران	منطقه‌ای	محتاط	-	دوستانه	عادی	دوستانه
آذربایجان	ملی	محتاط	محتاط	-	عادی	پرتنش
قزاقستان	ملی	دوستانه	عادی	عادی	-	عادی
ترکمنستان	ملی	محتاط	محتاط	پرتنش	عادی	-

این موضوع سبب شده تا در کنار روابط متشنج روسیه و ایران با غرب و بازیگران حامی آنها در منطقه دو کشور آذربایجان و ترکمنستان و در حد کم‌تری قزاقستان به دلیل انزوای ژئوپلیتیکی خود از حضور بازیگران پیرامونی و مداخله‌گر در منطقه حمایت کنند.

جدول شماره ۶: تاثیر بازیگران بخش پیرامونی و مداخله‌گر در حوزه خزر بر تعامل بازیگران بخش مرکزی

کشور	آمریکا	رژیم صهیونیستی	اتحادیه اروپا	عربستان	ترکیه	چین	هند
روسیه	مخرب	تعامل	رقیب	رقیب	رقیب	رقیب	همکاری
ایران	مخرب	مخرب	تعامل	مخرب	رقیب	رقیب	-
آذربایجان	همکاری	همکاری	تعامل	ختی	همکاری	تعامل	-
قزاقستان	همکاری	همکاری	تعامل	تعامل	تعامل	تعامل	تعامل
ترکمنستان	همکاری	همکاری	تعامل	تعامل	همکاری	تعامل	تعامل

با این تفاسیر در حوزه اقتصاد کشورهای منطقه تعاملات خوبی با یکدیگر دارند و در این ارتباط روابط قزاقستان با روسیه به همگرایی نزدیک‌تر است ولی با بقیه کشورها در سطح همکاری است. روابط ایران با آذربایجان در سطح همکاری با گرایش مثبت با روسیه همکاری مثبت و با قزاقستان و ترکمنستان در سطح همکاری قرار دارد که شرح روابط اقتصادی آن‌ها به شرح جدول ذیل آمده است.

جدول شماره ۷: زمینه‌های همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در حوزه خزر با لحاظ نمودن سلسله مراتب قدرت

اقتصادی	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه	-	همکاری	همکاری	همگرا	همکاری
ایران	همکاری	-	همکاری	همکاری	همکاری
آذربایجان	همکاری	همکاری	-	همکاری	همکاری
قزاقستان	همگرا	همکاری	همکاری	-	همکاری
ترکمنستان	همکاری	همکاری	همکاری	همکاری	--

در حوزه انرژی و نفت و گاز همکاری روسیه با قزاقستان زیاد با ترکمنستان متوسط و با بقیه کشورها ضعیف با گرایش به رشد روابط است. در عوض در این حوزه روابط ایران و آذربایجان با روسیه ضعیف با گرایش به رشد روابط و با بقیه کشورها متوسط است (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸: نقش منبع نفت و گاز در ایجاد همگرایی روابط بین کشورهای حوزه خزر

منابع نفت و گاز	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه	-	ضعیف	ضعیف	زیاد	متوسط
ایران	ضعیف	-	متوسط	متوسط	متوسط
آذربایجان	ضعیف	متوسط	-	متوسط	ضعیف
قزاقستان	زیاد	متوسط	متوسط	-	متوسط
ترکمنستان	متوسط	متوسط	ضعیف	متوسط	-

در حوزه حمل و نقل روسیه تنها با ترکمنستان روابط متوسطی دارد و با بقیه روابطش مناسب است. ایران نیز روابط متوسطی با قزاقستان داشته و با بقیه کشورها روابط مناسب‌تری دارد.

جدول شماره ۹: نقش حمل و نقل در روابط بین بازیگران بخش مرکزی حوزه خزر

حمل و نقل	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه	-	زیاد	زیاد	بسیار زیاد	متوسط
ایران	زیاد	-	بسیار زیاد	متوسط	زیاد
آذربایجان	زیاد	بسیار زیاد	-	متوسط	ضعیف
قزاقستان	بسیار زیاد	متوسط	متوسط	-	زیاد
ترکمنستان	متوسط	زیاد	ضعیف	زیاد	-

در حوزه فرهنگی - اجتماعی نزدیکی فرهنگی بین روسیه و قزاقستان و ایران با جمهوری آذربایجان از بقیه کشورها بیشتر است با این تفاوت که این وحدت فرهنگی در دو کشور روسیه و قزاقستان باعث همگرایی شده ولی با توجه به پارامترهای دخیل از جمله ترس از هژمونی ایران و تعداد زیاد آذری‌های ایران نسبت به آذری‌های ج. آذربایجان، از تمایل طرف آذری در بهره‌رسانی مناسب از این توان کاسته شده است (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰: زمینه‌های همگرایی فرهنگی اجتماعی منطقه‌ای در حوزه خزر

فرهنگی - اجتماعی	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه	-	ضعیف	متوسط	بسیار زیاد	متوسط
ایران	ضعیف	-	زیاد	متوسط	متوسط
آذربایجان	متوسط	زیاد	-	متوسط	متوسط
قزاقستان	بسیار زیاد	متوسط	متوسط	-	متوسط
ترکمنستان	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	-

در حوزه نظامی-امنیتی روابط بین ایران و روسیه با سه کشور دیگر منطقه با توجه به تحولات امنیتی اخیر در حوزه منطقه‌ای رشد چشمگیری نسبت به قبل داشته است. هرچند در این بین در فرصت ایجاد شده احتمال گرایش کشورهای منطقه به نظامی‌گری در خزر نیز افزایش پیدا نموده است.

جدول شماره ۱۱: زمینه‌های همگرایی نظامی-امنیتی منطقه‌ای در حوزه خزر با لحاظ نمودن سلسله مراتب قدرت

نظامی - امنیتی	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه	-	زیاد	زیاد	بسیار زیاد	زیاد
ایران	زیاد	-	زیاد	زیاد	زیاد
آذربایجان	ضعیف	ضعیف	-	متوسط	ضعیف
قزاقستان	بسیار زیاد	متوسط	متوسط	-	زیاد
ترکمنستان	متوسط	ضعیف	ضعیف	متوسط	-

در بحث همگرایی سیاسی، منطقه در سطح پائینی از این نوع همگرایی قرار دارد و کشورهای منطقه با توجه به عدم وجود سازمان و یا نهادی قوی، تمایلی به کاهش اختیارات خود در راستای افزایش قدرت منطقه‌ای از خود نشان نمی‌دهند. از این رو در منطقه خزر تنها دولت‌هایی که به همگرایی سیاسی نزدیک‌ترند کشور قزاقستان و روسیه می‌باشند.

جدول شماره ۱۲: زمینه‌های همگرایی سیاسی منطقه‌ای در حوزه خزر با لحاظ نمودن سلسله مراتب قدرت

سیاسی	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه	-	ضعیف	زیاد	بسیار زیاد	زیاد
ایران	ضعیف	-	متوسط	ضعیف	ضعیف

سیاسی	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
آذربایجان	ضعیف	ضعیف	-	ضعیف	ضعیف
قزاقستان	بسیار زیاد	ضعیف	ضعیف	-	ضعیف
ترکمنستان	ضعیف	ضعیف	ضعیف	ضعیف	-

از منظر موقعیت جغرافیایی با توجه به قرارگیری دریای خزر و کشورهای حاشیه آن در مرکز و قلب ترانزیت کالا، مسافر و انرژی جهان بر سر سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا اهمیت همه کشورها از این منظر زیاد می‌باشد با این تفاوت که مسیر ایران برای همه کشورهای منطقه از اهمیت دوجندانی هم از منظر امنیت و هم از منظر کوتاه بودن مسیر برای رسیدن به آب‌های خلیج فارس و اقیانوس هند در مسیر شرق آسیا و شرق آفریقا برخوردار است. البته در این ارتباط نقش روسیه نیز در رساندن کشورهای منطقه به اروپا را نباید نادیده گرفت.

جدول شماره ۱۳: زمینه‌های همگرایی منطقه‌ای در حوزه خزر با لحاظ نمودن موقعیت جغرافیایی

اهمیت موقعیت جغرافیایی	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه برای	-	بسیار زیاد	بسیار زیاد	بسیار زیاد	زیاد
ایران برای	بسیار زیاد	-	بسیار زیاد	بسیار زیاد	بسیار زیاد
آذربایجان برای	بسیار زیاد	بسیار زیاد	-	زیاد	زیاد
قزاقستان برای	زیاد	زیاد	زیاد	-	بسیار زیاد
ترکمنستان برای	زیاد	بسیار زیاد	زیاد	زیاد	-

درباره همگرایی در حوزه محیط زیست باید گفت که تأثیرات زیست‌محیطی فعالیت‌های مخرب بشری در منطقه کاسپین از شمال به جنوب این دریا بسیار مخرب در دو حوزه محیطی و اجتماعی خلاصه می‌گردد. به این ترتیب فعالیت‌های انسان در قسمت شمالی این دریا کم‌ترین تأثیر را دارد و هرچه به جنوب و سواحل ایران می‌رسیم این تأثیرات بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر تمام آلودگی‌های دریای خزر بر اثر جریان‌های دریایی در قسمت ایران انباشت شده و حیات جانوری و انسانی سواحل ایران را با مشکل روبرو نموده است. از این رو تلاش در جهت ایجاد یک سازمان متولی در امر محیط زیست با مشارکت همه کشورهای حاشیه دریای خزر امری اجتناب‌ناپذیر

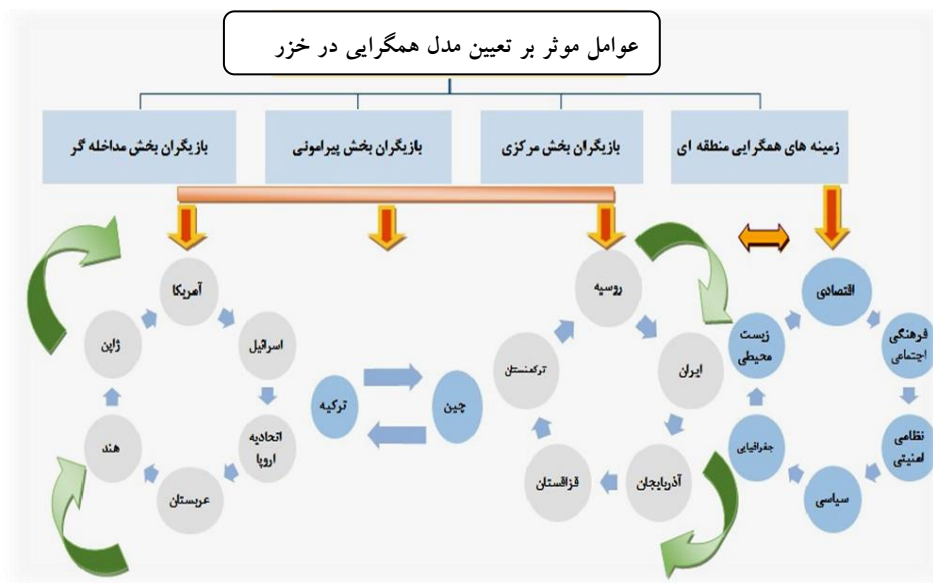
می‌باشد و شرح زمینه‌های همگرایی منطقه‌ای در این حوزه در رابطه با مسائل زیست‌محیطی به شرح ذیل می‌باشد.

جدول شماره ۱۴: زمینه‌های همگرایی منطقه‌ای در حوزه خزر با لحاظ نمودن مسائل زیست محیطی

تأثیر زیست محیطی	روسیه	ایران	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان
روسیه از	-	کم	کم	زیاد	کم
ایران از	بسیار زیاد	-	بسیار زیاد	بسیار زیاد	بسیار زیاد
آذربایجان از	بسیار زیاد	کم	-	زیاد	کم
قزاقستان از	بسیار زیاد	کم	کم	-	کم
ترکمنستان از	بسیار زیاد	متوسط	متوسط	زیاد	-

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در ارائه مدل مفهومی (شکل ۱) این پژوهش سعی شد تا براساس رابطه و تأثیر سلسله‌مراتب قدرت و نقش بازیگران منطقه‌ای، پیرامونی و مداخله‌گر بر مولفه‌های همگرایی منطقه‌ای در خزر، بهترین مدل در ارتباط با تعامل کشورهای حاشیه خزر با یکدیگر ارائه گردد.



شکل ۱- مدل مفهومی روابط بازیگران منطقه خزر با یکدیگر و تأثیر آن بر زمینه‌های همگرایی منطقه‌ای

نتیجه‌ای که از این مدل حاصل شد آن است که سطح تعاملات در منطقه خزر تحت تاثیر دو عامل اساسی قرار دارد. در این ارتباط در درجه اول ارتباطات درون منطقه‌ای در حوزه‌های ژئوکالچر، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، مباحث دفاعی و امنیتی و زیست‌محیطی مطرح می‌باشد. البته از آنجایی که این ارتباطات خود تاثیرپذیر از سلسله‌مراتب قدرت می‌باشد نقش بازیگران در سطوح مختلف به عنوان عامل بعدی مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه آن که رقابت قدرت‌ها در منطقه خزر باعث شده تا علی‌رغم وجود اشتراکات بی‌شمار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی و امنیتی، کشورهای حاضر در منطقه با آن که توان همگرایی به نسبت بالایی را در خود می‌بینند نتوانند سیاست‌های خود را در این راستا قرار دهند. در این منطقه جمهوری آذربایجان و ترکمنستان به خاطر انزوای ادراکی ناشی از سلطه روسیه و ایران بر منطقه به غرب متمایل بوده و در برخی موارد نیز سیاست بی‌طرفی را اتخاذ نموده‌اند. جمهوری قزاقستان نیز از جنبه مذهبی، اشتراکات فرهنگی، سیاسی، دفاعی و امنیتی در حوزه روسیه قرار دارد (از منظر تاریخی اشتراکاتی نیز با ایران دارد). این کشور در بحث همگرایی در کنار روسیه قرار دارد. روابط روسیه و ایران نیز در طی تاریخ با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده است. تصرف و جدایی بخش‌های زیادی از سرزمین ایران در طی عهدنامه‌های گلستان، ترکمن‌چای و آخال در سده گذشته، باعث شده تا افکار عمومی ایران نسبت به روسیه دید مثبتی نداشته باشند. از این رو با توجه به دخالت بازیگران و ایفای نقش آن‌ها در زمینه‌های موجود در جهت همگرایی، به نظر می‌رسد بحث همگرایی در حال حاضر برای کشورهای منطقه متصور نباشد. اما با این حال و با توجه به حوادث جهانی و نیاز روسیه و ایران به یکدیگر در طی سال‌های اخیر و همچنین وجود اشتراکات فرهنگی موجود در بین قدرت‌های کوچک این حوزه، زمینه برای همکاری‌های منطقه‌ای فراهم گردیده است. از این رو و با عنایت به تجارب گذشته در این منطقه پیشنهاد می‌گردد با توجه به نظریه نوکارکردگرایی، باید همکاری‌های بخشی مورد توجه سیاستمداران کشورهای منطقه در جهت رسیدن به سطوح تعامل بالاتر مد نظر قرار گیرد. در این مسیر با ایجاد شرایط مناسب‌تر و احساس امنیت بیشتر، کشورهای منطقه به طور حتم به عمق بخشیدن به سطح روابط شان از طریق افزایش تعاملات ترغیب خواهند شد. با توجه به یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیلی که از این یافته‌ها شد به نظر می‌رسد با توجه به حضور قدرت‌ها و بازیگران متعدد در منطقه

و وجود برخی کاستی‌ها در بین بعضی از کشورهای حاشیه دریای خزر، در حال حاضر همکاری منطقه‌ای در این حوزه با واقعیت‌های منطقه‌ای سازگار نباشد. از این رو و با توجه به موقعیت جغرافیایی ممتاز منطقه، گسترش همکاری‌ها در حوزه اقتصادی می‌تواند راهگشای این تعاملات باشد. البته از آنجایی که در دنیای امروز بر مبنای نظریه نوکارکردگرایی درهم‌تنیدگی مباحث اقتصادی با مسائل سیاسی و نقش آن در اتخاذ سیاست خارجی و امنیتی کشورها بارز است و منافع کشورهای منطقه در این حوزه نیز می‌تواند با توجه قدرت بازیگران دچار تلاطم گردد، لذا پیشنهاد می‌گردد در حوزه اقتصاد نیز به جزئی‌نگری پرداخته و در این حوزه، حمل و نقل و ارتباطات را به عنوان اولویت اول همکاری در تعاملات بخشی جهت رسیدن به همکاری‌های منطقه‌ای و در نهایت همکاری مورد توجه قرار دهیم. اتفاقی که با توجه به ایجاد مجمع اقتصادی اوراسیا، می‌تواند منطقه را به مرکز تبادلات و قلب ترانزیت خشکی‌های جهان تبدیل کند، قلبی که در آن ایران و روسیه به عنوان شاه‌رگ‌های اصلی این خط ترانزیت نقش اصلی را بازی خواهند کرد. پس از حوزه اقتصاد، حوزه زیست‌محیطی نیز حوزه دیگری است که می‌تواند مبنای این تعاملات قرار گیرد. این حوزه از آنجا در رتبه دوم قرار دارد که به دلیل درهم‌تنیدگی مباحث زیست‌محیطی با اقتصاد این کشورها احتمال همکاری در این قسمت در سطح پائین‌تری از حوزه اقتصاد قرار دارد. اما با این وجود، موفقیت در حوزه اقتصاد (حمل و نقل) به نظر می‌رسد حتی بتواند در نهایت با اعتمادی که در طی سالیان بعد در بین کشورهای منطقه ایجاد می‌کند به سایر حوزه‌های همکاری و همکاری از جمله امنیتی، دفاعی، سیاسی و غیره کشیده شده و توسعه منطقه‌ای را با شتاب بیشتری موجب گردد. در آخر این که همکاری کشورهای منطقه حتی اگر از سطوح بخشی نیز در دستور کار قرار گیرد و شروع گردد، با توجه به این که منافع کشورهای منطقه را با یکدیگر گره می‌زند، می‌تواند در راهبرد درازمدت از منظر امنیتی و دفاعی به صلح و آرامش منطقه‌ای و توسعه پایدار با ایجاد نظم امنیت منطقه‌ای منجر گردد. به عبارت دیگر همکاری بخشی باعث گره‌خوردن منافع کشورها به یکدیگر در جهت ایجاد نظم امنیتی منطقه‌ای می‌شود، نظمی که می‌تواند در آینده نقش تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بازیگران و قدرت‌های متعدد موجود در منطقه را با خودباوری که بین کشورهای منطقه ایجاد

می‌شود به حداقل رسانده و منطقه را با خویاروی و نظم ایجاد شده به توسعه و امنیت پایدار رهنمون سازد. در واقع منطقه ناگزیر از ایجاد این نظم در راستای رسیدن به سطوح بالاتر همگرایی است.

منابع

الف-فارسی

- ابراهیمی، شهروز و ابراهیمی، غلام (۱۳۸۰)، بازنگری در رئالیسم پس از جنگ سرد: متدولوژی، ایپستمولوژی، اونتولوژی، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، س ۱۶، ش ۱۷۳ و ۱۷۴، ص ۹۳
- اشنایدر، کریگ (۱۳۸۵)، *امنیت و راهبرد در جهان معاصر*، ترجمه اکبر عسگری صدر، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- امید، علی (۱۳۸۸)، *منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آ.سه.آن*، سارک و اکو، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- بروس، راست (۱۳۸۱)، *سیاست جهانی*، مترجم علی امید، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل
- بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تقوی، سید عطا (۱۳۹۴)، *ژئوپلتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان*، تهران، وزارت امور خارجه.
- خانی، اکبر (۱۳۹۱)، *شناورهای نظامی خزر*، تهران، مرکز آموزشی، پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- خانی، اکبر (۱۳۹۱)، *دکترین نظامی کشورهای ساحلی دریای خزر*، تهران، مرکز آموزشی، پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- دفاع‌نامه (۱۳۹۰)، *راهبردهای امنیت ملی آمریکا و انگلستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران*، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- دوئرتی، جیمز، رابرت فالترگراف (۱۳۸۳)، *نظریه های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب، وحید بزرگی، تهران، نشر قومس، چاپ سوم
- زارعی، بهادر، زینی وند، علی (۱۳۹۳)، *فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در منطقه خزر*، تهران، انتشارات دارخوین.
- سعید پیشداد، (۱۳۸۳)، *همگرایی در سازمان اکو*، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، باز
- صالحی امیری، سید رضا و محمدی، سعید (۱۳۹۲)، *دیپلماسی فرهنگی*، تهران، گروه انتشاراتی ققنوس
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)*، تهران، ابرار معاصر
- عسگری، محمود، مهدیان، حسین (۱۳۹۵)، *نیروی دریایی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر انتخاب.
- کولانی، الهه (۱۳۸۴)، *بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
- کریمی‌پور، یدالله، هدی و کوثر کریمی‌پور (۱۳۹۰)، *اکولوژی سیاسی*، تهران، دانش‌پویان جوان
- کریمی‌پور، یدالله، محمد حیدری (۱۳۸۸) *ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی*، تهران، دانشگاه تربیت معلم

- کریمی‌پور، بدالله، حسین خالدی و پرستو موقیان(۱۳۹۴)، *جغرافیا؛ نخست در خدمت صلح (نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان)*، تهران: نشر انتخاب، چاپ اول
- کولائی، الهه، علی‌زاده، شیوا(۱۳۹۵)، *جستارهایی در مورد مسائل دریای خزر*، تهران، وزارت امور خارجه.
- لیک، دیوید و پاتریک مورگان(۱۳۸۱)، *نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت‌سازی در جهانی نوین*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدجانی، مصطفی، افضل‌ی، رسول، امیری، علی(۱۳۹۴)، *دریای کاسپین و موقعیت ژئوپلیتیک ایران*، تهران نشر انتخاب.
- مرکز پژوهش‌های پپو : ۲۰۱۴
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹) *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سمت.
- ملکی عباس، رئوفی مجید(۱۳۹۵)، *راه ابریشم جدید یک کمربند یک جاده*، تهران، ابرار معاصر.
- نامی، محمد حسن(۱۳۸۹)، *جایگاه دریای خزر در استراتژی‌های جهانی با تاکید بر قرن ۲۱*، تهران، انتشارات زیتون سبز.
- هاس، ارنست (۱۳۸۵)، *مطالعه همگرایی منطقه‌ای: تأملاتی در باب شادکامی‌ها و تلخ کامی‌های پیش نظریه سازی*، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب: منابع لاتین

- Afshordi, Mohammad H, (2002) *Geopolitical of Caucasian and The Forgin Policy of The I.R. Iran*, Tehran.
- Amir-Ahmadian, B, (2008) *Georgia's Crisis: The Two Involved Sides, the Reasons and the Consequences*, *Politico-Economic Information Monthly Journal*, Year 23, No. 1 and 2, Pp. 86-104.
- Das & C. M. Vasudev & Madhukar Gupta,(2011)."*Regional Integration and Cooperation in Asia—An Indian Perspective*," *Global Journal of Emerging Market Economies*, Emerging Markets Forum, vol. 3(3)